

بررسی و تجزیه و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار در استان کرمان

♦ دکتر جعفر رودری

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان



طی سال ۱۴۰۰،
تقریباً بیش از
۳۶ هزار نفر به
جمعیت فعال
استان به واسطه
افزایش نرخ
فعالیت اضافه
شده؛ یعنی نرخ
فعالیت که از
پاییز ۱۳۹۹ حدود
۳۹/۶ بوده است

در پایان این
سال تقریباً همین
مقدار است و
در زمستان ۱۴۰۰
وقتی که شرایط
تقریباً بهبود
پیدا می‌کند به
۴۱/۱ می‌رسد
لذا به واسطه
این افزایش نرخ
فعالیت بیش از
۳۶ هزار نفر به
جمعیت فعال
استان افزوده
شده است.

تعریف نرخ فعالیت یا نرخ مشارکت

به‌طور کلی نرخ فعالیت؛ نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار است. با توجه به تعریف مرکز آمار ایران، سن کار و فعالیت از ۱۵ سال به بالا تعریف می‌شود. در بسیاری از کشورها معمولاً سن کار را بین ۱۵ تا ۶۵ سال در نظر می‌گیرند. در کشور ما از نظر اقتصادی، افراد بازنشسته با شرایطی مواجه می‌شوند که نیاز به انجام کار بعد از بازنشستگی دارند، بنابراین دامنه سن کار در کشور ما ممکن است بعد از سن بازنشستگی یعنی ۶۵ سال هم ادامه داشته باشد.

جهت بررسی نرخ فعالیت، دو پارامتر جمعیت فعال و جمعیت در سن کار مورد بررسی و پایش قرار می‌گیرد. جمعیت فعال ترکیبی از دو بخش جمعیت شاغل و جمعیت بیکار است و از نظر اقتصادی برابر با عرضه نیروی کار است. جمعیت در سن کار آن بخش از جمعیت است که هم قادر به انجام کار و هم مایل به انجام کار است، منظور از قادر بودن یعنی فرد هم از بُعد جسمی و فیزیکی و هم بُعد تخصصی و مهارتی توانایی انجام کار را داشته باشد و همین‌طور مایل هم باشد. اگر فرد توانایی انجام کاری را داشته باشد، اما مایل به انجام کار نباشد، از زمره جمعیت فعال خارج می‌شود و اصطلاحاً جزو جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرد.

بررسی نرخ فعالیت در استان کرمان در پنج سال گذشته

بر اساس جدول شماره (۱) در سال ۱۳۹۵ نرخ فعالیت در استان کرمان حدود ۴۲ درصد بوده، به این مفهوم که از جمعیتی که در سال ۹۵ در سن کار هستند، ۴۲ درصد آن‌ها عملاً از نظر اقتصادی فعالند؛ به عبارتی یا شاغلند یا بیکار. این نسبت در سال ۱۳۹۵ در کشور ۴۳/۲ درصد بوده، بنابراین در این سال نرخ فعالیت استان نسبت به کشور پایین‌تر است.

در سال ۱۳۹۶، تقریباً نرخ فعالیت استان بالا بوده به‌طوری که بالاترین نرخ فعالیت در بازه زمانی بررسی شده در استان و در کشور، در این سال است. این عدد برای استان برابر با ۴۴/۱ درصد و برای کشور ۴۴/۲ درصد می‌باشد. بعد از سال ۱۳۹۶، نرخ فعالیت روند نزولی خود را طی می‌کند تا اینکه در سال ۱۳۹۹ تحت تأثیر شرایط کرونا تقریباً به کمترین حد خود یعنی ۳۹/۶ درصد می‌رسد؛ یعنی درصدی از جمعیت که در سن کار هستند و عملاً از نظر اقتصادی فعالند، کاهش پیدا می‌کند یا مفهوم دیگر آن این است که جمعیت غیرفعال در این سال افزایش پیدا کرده است.

دلایل کاهش نرخ فعالیت زنان در استان کرمان

اگر بخواهیم دلایل کاهش نرخ فعالیت را در استان و در کشور بررسی کنیم، به‌طور مشخص می‌توان گفت تقریباً

جدول شماره (۱): مقایسه نرخ فعالیت در استان کرمان و کشور

سال	نرخ فعالیت در استان کرمان (بر اساس درصد)	نرخ فعالیت در کشور (بر اساس درصد)
۱۳۹۵	۴۲	۴۳/۲
۱۳۹۶	۴۴/۱	۴۴/۲
۱۳۹۹	۳۹/۶	۴۱/۳
۱۴۰۰	۴۰/۳	۴۰/۹

تأمین معیشت و درآمد خانوار به جز زنان سرپرست خانوار، مسئولیت مستقیم کمتری دارند. لذا تأثیر فشار اقتصادی به واسطه کاهش عرضه نیروی کار و نرخ فعالیت بیشتر متوجه بانوان است.

بررسی نرخ فعالیت به تفکیک زنان و مردان در استان کرمان و کشور

در مجموع در بررسی نرخ فعالیت در کشور و در استان کرمان دو دوره قابل توجه است:

- دوره اول مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۳۹۹ است که در این مدت نرخ فعالیت، کاهش یافته است.
- دوره دوم از سال ۱۳۹۹ به بعد است که تقریباً با مدیریت عوامل اقتصادی در کشور از جمله مباحث مقابله با تحریم همراه است. در شرایطی که کشور تا حدود زیادی به یک ثبات نسبی رسیده و خیلی از راه‌های مقابله با تحریم برای کشور پیدا شده، این امر موجب شده که عملاً مشکلات ما به لحاظ اقتصادی در ساختارهای اقتصادی استان و همین‌طور کشور به سمت سازگاری بیشتر با این شرایط حرکت کند. از طرفی اثر کرونا نیز کمتر شده. لذا بهبود وضعیت اقتصادی در کشور و همین‌طور در استان با افزایش نرخ مشارکت یا فعالیت اقتصادی خود را نشان می‌دهد و نرخ فعالیت از ۳۹/۶ درصد در سال ۱۳۹۹، در پاییز ۱۴۰۰ تقریباً افزایش یافته و در سال ۱۴۰۰ به ۴۰/۳ درصد ارتقا پیدا کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، تقریباً می‌توان گفت افزایش نرخ مشارکت و یا فعالیت اقتصادی که ان شالله پایدار بماند و محدود به یک فصل خاص نباشد، به نوعی بازگشت به وضعیت قبل از کرونا را برای ما تداعی می‌نماید.

با توجه به جدول شماره (۲) در این دو دوره، اگر نرخ فعالیت را به تفکیک بین بانوان و آقایان بررسی کنیم،

بعد از پاییز ۱۳۹۸ که شرایط کرونایی به وجود آمد، کاهش نرخ مشارکت و فعالیت اقتصادی خیلی جدی شده و شتاب بیشتری گرفته. اگر این موضوع را به صورت جزئی‌تر بررسی کنیم و نرخ مشارکت را به دو بخش نرخ مشارکت یا فعالیت مردان و زنان تفکیک کنیم، می‌بینیم که عمده کاهش، به کاهش نرخ فعالیت خانم‌ها برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تأثیر کرونا بر کاهش نرخ فعالیت اقتصادی بانوان بیشتر از مردان بوده است و اثرات بیشتری گذاشته است و در استان هم می‌توان گفت که این تأثیر بیشتر بوده است. بر اساس جدول شماره (۲) در سال ۱۳۹۶ نرخ فعالیت بانوان در استان ۱۶ درصد بوده و در مقایسه با کشور که حدود ۱۶ بوده، برابر است. در سنوات بعد این نرخ، کاهش پیدا کرده و در انتهای سال ۱۳۹۹ به ۱۱/۷ درصد رسیده. در کشور نیز نرخ فعالیت بانوان طی این مدت کاهش پیدا کرده و در پایان سال ۱۳۹۹ به ۱۳/۹ درصد رسیده است.

در بررسی دلیل این مسئله می‌توان گفت، این موضوع به ساختار اقتصادی و تا حدودی ساختار اجتماعی و فرهنگی استان برمی‌گردد که در اینجا بیشتر، ساختار اقتصادی تأثیرگذار است؛ به این مفهوم که در اقتصاد کرمان، سهم بخش کشاورزی نسبت به متوسط کشور در اشتغال، تقریباً بیش از دو برابر است. با توجه به ماهیت بخش کشاورزی، سهم مشارکت بانوان در این بخش کمتر است یا برعکس این سهم در آقایان در این بخش بیشتر است. بنابراین عملاً این موضوع کمک می‌کند که اگر قرار باشد افرادی در شرایط کرونا کنار بروند، بیشتر از طرف جامعه بانوان باشند. در بخش خدمات نیز، سهم مشارکت بانوان نسبت به متوسط کشور خیلی پایین‌تر است. در مجموع تأثیرگذاری کرونا بر فعالیت‌ها بیشتر معطوف به جامعه زنان است. از طرفی بانوان در قیاس با آقایان عمدتاً در

در حال حاضر مسئله بیکاری در استان کرمان بیشتر از جنس بیکاری بانوان است و این بدان معنی نیست که مشکلی برای بیکاری آقایان نداریم، ولی اگر به‌طور نسبی در نظر بگیریم سهم بیکاری خانم‌ها خیلی بیشتر است. همچنین در افزایش نرخ فعالیت، سهم خانم‌ها بیشتر است. لذا این مسئله حتماً باید در سیاست‌های ایجاد اشتغال در استان کرمان مد نظر قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که ما بتوانیم نسبت به این شرایط برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم.

جدول شماره (۲): مقایسه نرخ فعالیت زنان و مردان در استان کرمان و کشور

نرخ فعالیت در کشور		نرخ فعالیت در استان کرمان		سال
نرخ فعالیت مردان (درصد)	نرخ فعالیت زنان (درصد)	نرخ فعالیت مردان (درصد)	نرخ فعالیت زنان (درصد)	
۷۰٫۹	۱۶	۶۹٫۳	۱۶	۱۳۹۶
۶۸٫۷	۱۳٫۹	۶۷	۱۱٫۷	۱۳۹۹
۶۸٫۷	۱۳٫۳	۶۷٫۷ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۵٫۳ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۴۰۰

پاییز سال ۱۴۰۰، جمعیت فعال تقریباً حدود یک میلیون نفر بوده‌اند که از این جمعیت، تقریباً حدود ۱۱۰ تا ۱۱۵ هزار نفر بیکاران تخمین زده می‌شوند و مابقی جمعیت شاغل هستند. اگر جمعیت شاغل کمتر باشد و نرخ جمعیت فعال هم ثابت باشد، این عدد در جمعیت بیکار قرار می‌گیرد؛ بنابراین صورت کسر جمعیت بیکار و مخرج کسر جمعیت فعال است و هر قدر جمعیت شاغل کمتر باشد، صورت کسر اضافه می‌شود و حاصل کسر یعنی نرخ بیکاری افزایش پیدا می‌کند. با توجه به جدول شماره (۳) نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۰ در استان کرمان ۱۱٫۲ درصد بوده، در حالی که این عدد در کشور ۹٫۲ درصد است که می‌توان گفت، یکی از دلایل مهم آن، موضوع افزایش نرخ فعالیت است؛ به عبارت دیگر ورود بیش از ۳۶ هزار نفر به بازار کار آن هم عمدتاً از طرف بانوان، یکی از دلایلی است که باعث شده که نرخ بیکاری استان در سطح بالاتری قرار گیرد. این در حالی است که ما به لحاظ عملکرد اشتغال در سال ۱۴۰۰ وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۹۹ داریم، سال ۱۳۹۹ بر اساس آماري که قبلاً اعلام شد، متأسفانه علی‌رغم این که استان به تعهدات اشتغالی‌ای که در حوزه برنامه‌ریزی شده دستگاه‌های استان است عمل نموده، اما خالص اشتغال ایجاد شده حدود منفی ۳۳ هزار فرصت شغلی بوده، یعنی عملاً نه تنها سرجمع اشتغال مان افزایش پیدا نکرده بلکه کاهش هم پیدا کرده که دلیل آن از بین رفتن فرصت‌های شغلی زیادی به واسطه کرونا و شرایط اقتصادی بوده. سال ۱۴۰۰ این وضعیت به مراتب شرایط بهتری پیدا کرده و خالص ایجاد اشتغال، تقریباً حدود ۲۳ هزار فرصت شغلی است. در یک جمع‌بندی، در انتهای سال ۱۴۰۰، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی یعنی نرخ فعالیت را داریم، بویژه برای

می‌بینیم که نرخ فعالیت آقایان طی سال ۱۳۹۹ و تا زمستان سال ۱۴۰۰ از ۶۷ به ۶۷٫۷ درصد افزایش پیدا کرده است. اگر بخواهیم به‌طور نسبی نرخ فعالیت آقایان را با افزایش نرخ فعالیت بانوان که از ۱۱٫۷ درصد در سال ۱۳۹۹ به عدد قابل قبول ۱۵٫۳ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده قیاس کنیم، عملاً حتی نسبت به نرخ فعالیت بانوان در زمستان ۱۴۰۰ در کشور این عدد در سطح خیلی بالاتری قرار می‌گیرد و این نشان می‌دهد که عملاً نرخ فعالیت بانوان در استان کرمان به همان شرایط قبل از کرونا و شرایط سال ۱۳۹۶ که تقریباً نرخ فعالیت آن‌ها در سطح بالاتر قرار گرفته بود، نزدیک می‌شود.

بنابراین طی سال ۱۴۰۰، تقریباً بیش از ۳۶ هزار نفر به جمعیت فعال استان به واسطه افزایش نرخ فعالیت اضافه شده؛ یعنی نرخ فعالیت که از پاییز ۱۳۹۹ حدود ۳۹٫۶ بوده است در پایان این سال تقریباً همین مقدار است و در زمستان ۱۴۰۰ وقتی که شرایط تقریباً بهبود پیدا می‌کند به ۴۱٫۱ می‌رسد لذا به واسطه این افزایش نرخ فعالیت بیش از ۳۶ هزار نفر به جمعیت فعال استان افزوده شده است. این افزایش عمدتاً مربوط به ورود بانوان به عرصه اقتصاد استان است. این به این معناست که بازگشت مجدد بانوان به جمعیت فعال، وضعیت اقتصاد را تغییر داده است.

نرخ بیکاری در استان کرمان

نرخ بیکاری، نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال است. وقتی که جمعیت جویای کار یا عرضه نیروی کار افزایش پیدا می‌کند، اگر متناسب با این افزایش اشتغال ایجاد نشود، این تعداد در جمعیت بیکار قرار می‌گیرند و اثر خود را روی نرخ بیکاری نشان می‌دهد. در استان کرمان در

جدول شماره (۳): مقایسه نرخ بیکاری در استان کرمان و کشور

سال	نرخ بیکاری در استان کرمان (بر اساس درصد)	نرخ بیکاری در کشور (بر اساس درصد)
۱۳۹۹	۱۰٫۶	۹٫۶
۱۴۰۰	۱۱٫۲	۹٫۲

جدول شماره (۴): مقایسه نرخ بیکاری زنان و مردان در استان کرمان و کشور

سال	نرخ بیکاری در استان کرمان		نرخ بیکاری در کشور	
	زنان (درصد)	مردان (درصد)	زنان (درصد)	مردان (درصد)
۱۴۰۰	۳۲٫۷ (زمستان ۱۴۰۰)	۶٫۱ (زمستان ۱۴۰۰)	۱۶	۷٫۹

بانوان که نتیجه آن ورود بیش از ۳۶ هزار نفر به بازار کار است. ضمن این که در این سال نسبت به سال قبل، شرایط ایجاد اشتغال بهتری را داشته ایم، وقتی که این دو عامل را در کنار هم قرار می‌دهیم، نتیجه می‌گیریم که نرخ بیکاری استان نسبت به دوره‌های قبل اندکی افزایش پیدا کرده. همچنین افزایش نرخ بیکاری استان بیشتر از افزایش نرخ بیکاری کشور بوده؛ در واقع در سال ۱۳۹۹ در کشور نرخ بیکاری ۹٫۶ است، در حالی که سال ۱۴۰۰ به ۱۱٫۲ درصد رسیده که این افزایش خیلی نگران کننده نیست؛ به این دلیل که این مسئله بیشتر ناشی از افزایش نرخ فعالیت است. وقتی که ایجاد شغل روند کاملاً مثبت‌تری نسبت به سال ۱۳۹۹ دارد، این مسئله مقداری جای تأمل دارد.

آقایان ۶٫۱ درصد است و برای خانم‌ها ۳۲٫۷ درصد است که نسبت به نرخ بیکاری ۱۶ درصدی کشور (در زمستان ۱۴۰۰)، بیش از دو برابر می‌باشد. لذا می‌توان به این شکل جمع‌بندی نمود که در حال حاضر مسئله بیکاری در استان کرمان بیشتر از جنس بیکاری بانوان است و این بدان معنی نیست که مشکلی برای بیکاری آقایان نداریم، ولی اگر به‌طور نسبی در نظر بگیریم سهم بیکاری خانم‌ها خیلی بیشتر است. همچنین در افزایش نرخ فعالیت، سهم خانم‌ها بیشتر است. لذا این مسئله حتماً باید در سیاست‌های ایجاد اشتغال در استان کرمان مد نظر قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که ما بتوانیم نسبت به این شرایط برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم. برای این منظور اگر ساختار اقتصادی استان را به تفکیک بخش‌های موجود بررسی کنیم، بخش کشاورزی کمتر می‌تواند جاذبه برای خانم‌ها داشته باشد، اگرچه نیروهای متخصص دانشگاهی و بخش مدرن کشاورزی از این مورد مستثنی هستند. در حوزه صنعت و معدن، عمده ساختار معدنی استان، بنگاه‌های بزرگ معدنی هستند که با ساختار اشتغال خانم‌ها کمتر سازگار است، در بخش خدمات نیز متأسفانه سهم این بخش در ایجاد اشتغال نسبت به متوسط کشوری پایین‌تر است، از طرفی بخش خدمات بویژه حوزه گردشگری، می‌تواند جایگاه مناسب‌تری برای اشتغال خانم‌ها داشته باشد. لذا لازم است در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مورد نحوه ترکیب عرضه نیروی کار و میزان بیکاری موجود، اشتغال خانم‌ها مورد توجه قرار گیرد.

تأثیر افزایش بیکاری بانوان بر نرخ بیکاری استان

اگر بخواهیم نرخ بیکاری را به تفکیک زنان و مردان در استان مورد بررسی قرار دهیم، با توجه به جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که نرخ بیکاری مردان در استان کرمان با عدد ۶٫۱ درصد، حتی از نرخ کشور پایین‌تر است، ولی نرخ بیکاری بانوان ۳۲٫۷ درصد است. بنابراین موضوع ورود بیشتر خانم‌ها به بازار کار و توجه به اشتغال زنان، بالأخص در شرایط اخیر بسیار حیاتی به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر اگر کل اشتغال استان کرمان در سال ۱۴۰۰ را که عددی حدود ۸۶۳،۰۰۰ نفر است در نظر بگیریم، تقریباً عمده آن‌ها یعنی حدود ۷۸۸،۷۹۸ نفر آقایان و تنها ۱۰۷،۵۶۳ نفر خانم‌ها هستند. از طرفی نرخ بیکاری در استان برای

مقایسه نرخ فعالیت در کشور با کشورهای دیگر

مقایسه نرخ فعالیت در کشور ما با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ فعالیت در کشور ما پایین است و اگر این مقایسه را براساس خانم‌ها و آقایان تفکیک کنیم، نتیجه می‌گیریم نرخ فعالیت آقایان در کشور ما تفاوت بازرگی با کشورهای توسعه یافته ندارد، بلکه تفاوت فاحش به نرخ فعالیت خانم‌ها برمی‌گردد. در کشور ما همواره نرخ فعالیت خانم‌ها زیر ۲۰ درصد است، با مقایسه این عدد با کشورهای دیگر به جز برخی از کشورهای که شرایط و نگاه خاصی نسبت به زنان دارند، درمی‌یابیم که عدد خیلی پایینی است. تقریباً در غالب کشورهای دنیا بین نرخ فعالیت خانم‌ها و آقایان تفاوت وجود دارد، ولی نه به اندازه کشور ما. بنابراین می‌توان گفت، پایین بودن نرخ فعالیت چه در استان کرمان و چه در کشور بیشتر متأثر از پایین بودن نرخ فعالیت خانم‌ها است.

عوامل کاهش نرخ فعالیت بانوان در کشور

جمعیت در سن کار، ظرفیت نیروی انسانی جامعه را شکل می‌دهد که ۵۰ درصد آن بانوان هستند، در حالی که نرخ فعالیت خانم‌ها با وجود اینکه کشور از نظر آموزشی برای آن‌ها هزینه نموده، پایین است و در کنکور در مواردی، سهم خانم‌ها بیشتر از آقایان است، به عبارتی بانوان با تحصیلات و تخصص دانشگاهی به دلایل مختلفی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند که صرفاً ناشی از عوامل اقتصادی نمی‌باشد، بلکه عوامل اجتماعی و فرهنگی هم در این امر دخیل هستند.

عوامل اقتصادی این مسئله را می‌توان به این صورت بیان کرد؛ در شرایطی که خانم‌ها احساس کنند جویای کار بودنشان، نتیجه ندارد، اصطلاحاً از جستجوی کار مأیوس شده و از زمره جویندگان کار خارج می‌شوند و عملاً جزو جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرند، یا این‌که اگر یک خانم در هر مقطعی از تحصیلات ازدواج کند، ممکن است بعد از ازدواج دنبال کار نرود و خانه‌دار شود و به این صورت از زمره جویندگان کار کنار برود. این نحوه تاثیرگذاری از اقتصاد در زمان کرونا نیز اتفاق افتاد و در این زمان نرخ فعالیت کاهش پیدا کرد، امید به یافتن شغل تنزل پیدا نمود و نتیجه آن باعث شد که در این دوره تعداد زیادی از جویندگان کار کنار بروند.

عوامل اجتماعی و فرهنگی هم تاثیرگذارند، این‌که چقدر جامعه، پذیرای اشتغال زنان است، در بعضی از خانواده‌ها ممکن است خود خانواده ه با کار بیرون یا با هر نوع

کاری بنا به ناسازگاری با روحیات خانم‌ها مخالف باشد یا ممکن است بعد از ازدواج مخالفت‌هایی از طرف همسر به وجود بیاید.

در مجموع می‌توان گفت مطالعه دقیقی در مورد این‌که کدام یک از این موارد، روی اشتغال زنان تأثیر بیشتری دارد انجام نشده است، اما آنچه که مشخص است نرخ فعالیت خانم‌ها با شرایط ایده آل و استاندارد خود فاصله زیادی دارد. در حال حاضر که ما در پنجره جمعیتی قرار داریم و در این شرایط سهم جمعیت در سن کار بالاست (حدود ۶۷ درصد) و شرایط بسیار بالقوه‌ای به لحاظ نیروی انسانی برای استان فراهم است، باید به‌عنوان یک سیاست‌گذاری کلان در استان و کشور از این ظرفیت استفاده کنیم و مشاغلی که عمدتاً با جایگاه‌ها و ظرفیت‌های خانم‌ها سازگاری دارند، مورد توجه قرار گیرند و به‌عنوان خلأهای اساسی در اقتصاد استان و کشور مطرح شوند.

بار تکلف شغلی استان کرمان

همان‌طور که اشاره کردیم، نرخ فعالیت استان به دلیل پایین بودن نرخ فعالیت خانم‌ها، پایین است و این مسئله باعث افزایش بار تکلف شغلی می‌شود. بار تکلف شغلی در واقع نسبت جمعیت غیرشاغل به جمعیت شاغل را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۰ بار تکلف شغلی در استان کرمان تقریباً برابر با ۲/۸ بوده و مفهوم ساده آن، این است که در استان به ازای هر فرد شاغل نزدیک به ۳ نفر (۲/۸ نفر) غیرشاغل یا تحت تکفل که در واقع مصرف کننده هستند، داشتیم. در شرایطی که درآمد سرانه در کشور پایین باشد و بار تکلف هم بالا باشد، این عوامل در کنار هم می‌تواند باعث گستردگی فقر در استان شوند که متأسفانه برخی از شاخص‌های فقر در استان مؤید این مسئله هستند. استان کرمان به لحاظ سهم ۳ دهک درآمدی پایین نسبت به حتی استان یزد که هم‌جوار ما می‌باشد، وضعیت نامناسبی دارد و می‌توان گفت این شاخص بیش از دو برابر است.

همچنین جمعیت تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی در استان کرمان حدود بیش از ۶۰ درصد، بیشتر از کشور است که همگی حکایت از عدم وضعیت مناسب درآمدی و فقر در استان دارد. همین‌طور در طرح هزینه -درآمد خانوار نیز جایگاه استان کرمان در بین ۳۱ استان معمولاً ۲۹ و ۳۰ است که اصلاً متناسب با ظرفیت‌های استان نیست که در مباحث بعدی می‌توان به این دسته از مسائل که بسیار مهم هستند پرداخت. ♦♦

مقایسه نرخ فعالیت در کشور ما با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که به‌طور کلی نرخ فعالیت در کشور ما پایین است و اگر این مقایسه را براساس خانم‌ها و آقایان تفکیک کنیم، نتیجه می‌گیریم نرخ فعالیت آقایان در کشور ما تفاوت بازرگی با کشورهای توسعه یافته ندارد، بلکه تفاوت فاحش به نرخ فعالیت خانم‌ها برمی‌گردد. در کشور ما همواره نرخ فعالیت خانم‌ها زیر ۲۰ درصد است، با مقایسه این عدد با کشورهای دیگر به جز برخی از کشورهای که شرایط و نگاه خاصی نسبت به زنان دارند، درمی‌یابیم که عدد خیلی پایینی است.